



الهام اشرفی

نویسنده و ویراستار

آنگاه که می میرم نامم را بر سنگ
گورم ننویسد
اما داستان عشق مرا بنویسد
و بنگارید:
اینجا آرامگاه زنی ست
که به برگی عاشق بود!

و درون دواتی غرق شد و مرد...
به گمانم در شناخت نثر و احساس لطیف خانم زیبای
غاده السمان، نویسنده و شاعر عرب (اهل سوریه)، همین
چند خط شعر کافی باشد.

رمان «کابوس های بیروت» همان طور که از نامش
پیداست، روایت زنی است نویسنده، کتابخوان و شاعر
که در آپارتمانی در شهر زیبای بیروت زندگی می کند. همان
چند خط اول رمان، ما با بیروت زیر آتش خمپاره و انفجار
و بوی باروت با راوی همراه می شویم. جنگ های داخلی
لبنان شروع شده و راوی و البته ما فکر می کنیم که به
هرحال این جنگ، آن هم از نوع هموطن علیه هموطن
به زودی تمام می شود، ولی هرچه در رمان و در واقع در
تاریخ پیش تر می رویم این جنگ تمام که نمی شود، هیچ
شدنش بیشتر و بیشتر نیز می شود.

جنگ های داخلی لبنان، بر سر مسائل قومی، سیاسی
و مذهبی، طی عقبه هایی تاریخی سیاسی (که موضوع

مدنظر این یادداشت نیست) از سال ۱۹۷۵ شروع شد و
تا سال ۱۹۹۰ ادامه یافت!
غاده السمان از همان سال ۱۹۷۵ شروع به نوشتن این
رمان کرده با دانستن این موضوع، خواننده را به این فکر
نزدیک می کند که چقدر راوی و نویسنده مثل هم هستند،
گرچه که طی خواندن قدرت نویسنده و لحن شاعرانه
خانم غاده السمان رخ می نماید.

همزمان با خواندن «کابوس های بیروت»، مشغول
خواندن کتاب «۴۵ کهن الگوی شخصیت» بودم و مدام
ذهنم درگیر این موضوع شده بود که شخصیت زن راوی
جزو کدام دسته از کهن الگوها قرار می گیرد؟ ولی قبل از
تشخیص آن تعریف کوچکی از مفهوم کهن الگو می آورم:
«کهن الگوها در اسطوره شناسی، ادبیات و هنرها یافت
می شوند و عمدتاً الگوهایی سمبلیک و ناخودآگاه هستند
که مرزهای فرهنگی را درمی نوردند.»

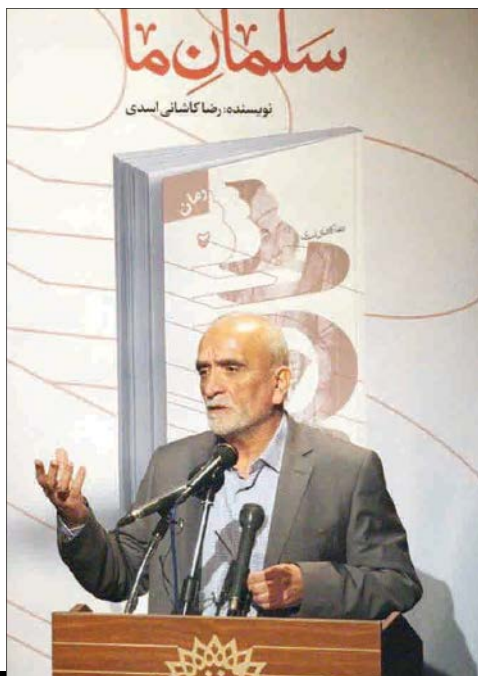
کتاب می گوید برای بررسی این که شخصیتی در اثری
(فیلم، تئاتر، کتاب و ...) به کدام یک از کهن الگوها
شبیه و نزدیک است، باید به یکسری از سؤال ها در مورد
شخصیت پاسخ داد؛ این که شخصیت طی اثر، برون گراست
یا درون گرا؟ اوقات فراغتش را چگونه می گذراند؟
دوستانش از چه قماش هستند؟ چه چیزهایی او را
سرگرم می کند؟...

زندگی «سلمان فارسی»

یک طرح منسجم داستانی است

معجزه و هدیه بشریت را که قرآن است برای امت خود
ترجمه کرده است. در مورد کتاب آقای کاشانی به دو نکته
اشاره می کنم؛ نکته اول همان طور که دین اسلام به زن و
نقش او نگاهی ویژه دارد آقای کاشانی نیز با همین جنس
نگاه کرده است. نقش بی بدیل مادر «روزبه» همان است
که می گویند از دامن زن، مرد به معراج می رود. نکته دیگر
این که این رمان مبارزه با نژادپرستی می کند چرا که اسلام
مرز ندارد. انتهای کتاب نیز با یک نگاه زیبا و وحدت بخش
جمع شده است.

محمدرضا شرفی خبوشان، رئیس مرکز آفرینش های
ادبی حوزه هنری با بیان این که شاخصه اصلی رمان
دینی ایمان به غیب و جست و جوی حقیقت است، گفت:
زندگی سلمان فارسی یک طرح منسجم داستانی است
که یک قهرمان برای جست و جوی حقیقت حرکت می کند
و در این مسیر به موانع می رسد و موانع را حل می کند
و در نهایت به حقیقت می رسد. سلمان فارسی گویی
قهرمان ماندگار داستان هاست. برای نوشتن داستان
دینی ایمان و دغدغه کفایت می کند که آقای کاشانی
صاحب ایمان هستند. نمی شود دغدغه و ایمان نباشد و
رمان دینی نوشت. سلمان فارسی نقطه اصلی هویت ساز
ملت ایران است. اگر دنبال هویت هستیم سلمان فارسی
شخص برگزیده است چرا که نشان می دهد ما ایرانیان به
سمت اسلام رفته ایم و نه آنطور که غرب می گوید به زور



بررسی کهن الگوی راوی زن در رمان «کابوس های بیروت»

راوی رمان «کابوس های بیروت» زنی درونگراست (همین
که وحشتش را در دستنوشته هایش حل می کند، گواه
بر این موضوع است)، دوستانش از قماش خبرنگاران
و نویسندگان هستند (در طول رمان او اصلاً حوصله آن
آشنایش را که مدام دنبال کلاس رقص است ندارد)، اوقات
فراغتش به کتاب خواندن و نوشتن اوضاع و احوال دور
و برش می گذرد، کنج دنجش همان تختخواب پایین
کتابخانه اش است و...

به نظرم نزدیک ترین کهن الگو به شخصیت راوی،
کهن الگوی «عارف» است؛ زنی درونگرا، عاشق تنهایی
که دوست ندارد به خلوتش تجاوز شود، او تلاش می کند بر
ترس هایش غلبه کند، به گیاهان و محیط زیستش احترام
می گذارد (حتی با اکراه سبب زمینی موجود در خانه اش
را که سبز شده می خورد)، هرگز نیاز به خدمتکار ندارد،
بسیار صبور است (مقابل گرسنگی، ترس و وحشت...)،
کاری به مد روز ندارد، از دست دادن خانه اش او را ویران
می کند (در این رمان از بین رفتن کتابخانه اش است که
موجب ویرانی اش می شود).

دانستن ویژگی های کهن الگوها هزارتویی است بی انتها
و پر از کشف و رمز و راز، که دانستن شان تور وادار می کند
برای فهمیدن کهن الگوی هر شخص در آدم های اطرافت
دقیق شوی و مدام زیرنظرشان بگیری!

اسلام آوردند. این زیباترین داستان دینی است که آقای
کاشانی با نگاه تمدن ساز خود سراغش رفتند و در قالبی
روان ارائه کردند.

احسان رضایی نیز در بخش دیگر برنامه با اشاره به تمامی
بحران های جامعه بیان کرد؛ ما بحران جدی به نام بحران
داستان داریم. در جامعه ای زندگی می کنیم که انبوهی از
اطلاعات تولید و تکرار می شوند. در فضای جدید کسانی
برنده هستند که مدام در حال تولید و اشتراکند. انتشار
رمان «سلمان ما» از این جهت برجسته و مهم است که
انبوهی از مطالب داستانی و تاریخی داریم. ما گنجینه ای
از داستان و افسانه ها و شخصیت های برجسته تاریخی
داریم که اگر هالیوود آن را در اختیار داشت تاکنون فیلم و
سریال ها از آن می ساخت. این را باید بدانیم که اگر فرهنگ
بازتولید نشود چیزی به اسم فرهنگ ایران در آینده خیلی
نزدیک نمی ماند و اگر علاقه به فرهنگ ایرانی و گذشته اش
داریم راهش بازگویی داستان های مان است.

در انتهای برنامه هم رضا کاشانی اسدی، نویسنده گفت:
در امور فرهنگی زمانی موفق است که جریان سازی شود.
من تلاش کردم برای نسل جوان از سلمان فارسی بگویم و
امیدوارم افراد دیگر تلاش کنند که در هر قالبی که می توانند
از او بگویند.

سلمان نام خیابان های بزرگ ایران نیست، در نام
فرزندان مان نقشی ندارد و نام موسسات فرهنگی ما هم
نشانی از او ندارد اما سلمان عظمت دارد. من سال ها
در فیلمنامه نویسی و ادبیات نمایشی تحصیل کرده ام و
همواره دغدغه کار دینی دارم چرا که اصلاح کار فرهنگی
ما از پایه دین رقم می خورد. با سلمان اگر همراه شویم،
می بینیم که با قلب راسخ جلورفت و قلبش فراموش خانه
منیت خود بود. او مرز جغرافیایی را دنورید و جسارتش
کم نظیر بود و زهد او اکسیری برای تمام اعصار است.

معرفی کتاب

برای کتاب «هواتو دارم» خاطراتی از جنس زنان



الهام قاسمی

خبرنگار

🔴 امروز ۹ اسفند، سالگرد تولد
شهید محمد (مرتضی) عبداللهی
است. شهیدی که سال ۱۳۶۶ به
دنیا آمد و ۲۳ آبان ۳۰ سال بعد در

سوریه به شهادت رسید. «هواتو
دارم» درباره این شهید با روایت
یک خواب در سال ۸۵ شروع و با

اتفاقات سال ۹۷ پایان می یابد. در فاصله این ۱۲ سال
رویدادهای مهم زندگی قهرمان کتاب رقم می خورد. در
حقیقت نویسنده در این اثر دو خط داستانی را در یکدیگر
ادغام کرده است. یکی زندگی دختری با نام مستعار
«ستاره» است که در قالب همسر، نقش روایتگری اثر را
به عهده گرفته و این قصه زیرین کتاب است و دیگری
داستان زندگی جوانی است ۲۰ ساله که بعد از ازدواج با
ستاره، شهید مدافع حرم می شود. شهیدی که داستان
او قصه برجسته اثر است و عنوان کتاب براساس زندگی او
نام گذاری شده است.

آنچه سبب جذابیت اثر شده همین دو وجهی بودن آن
است. اثر از یک سو خاطراتی از جنس زنانه دارد و با رنگ و
روح عاطفی توأم است و از سوی دیگر درباره سبک زندگی
شهید مدافع حرم است. بازه زمانی پرداختن به خاطرات
شهید از زمان خواستگاری تا لحظه شهادت شهید است.
مخاطب این کتاب گام به گام با چگونگی شکل گیری
شخصیت فردی، اجتماعی و سیاسی شهید آشنا
می شود و در خلال آن تصویری از وقایع سوریه و جنایات
داعش در خاک این کشور و

جانشانی های مدافع حرم در

ذهنش نقش می بندد. در
کل می توان گفت که در اثر
پیش رو، مسائل سیاسی در
پس زمینه داستان حضور
دارد و در زندگی شخصیت ها
پنهان شده است.

اوج کتاب و در واقع نقطه عطف روایت، خبری است که
راوی اثر در کانال مسجد صفای ببند. خبری شوکه کننده و
باورناپذیر که سرگذشت و سرنوشت راوی و قهرمان داستان
را تعیین می کند.

آنچه جالب توجه است این که نویسنده مرد است اما راوی
زن را برای روایت زندگی یک شهید مدافع حرم انتخاب کرده
و با قلمی مردانه سراغ یک کار زنانه رفته است. همچنین
می بینم که مثل دو اثر قبلی خود «یادت باشد» و «کاش
برگردی» خیلی خوب از عهده این مهم برآمده و احساسات
و عواطف زنانه را در وقایع و اتفاقات زندگی به نحو احسن
به تصویر کشیده است. از جمله ویژگی های کتاب که سبب
جذابیت آن شده، ثبت مصرعی از اشعار مولوی (دیوان
شمس) در ابتدای هر فصل است که نشان از علاقه نویسنده
به حوزه شعر دارد. یکی دیگر از ارزش های اثر بارکدهایی
است که در حاشیه برخی از صفحات ثبت شده؛ بارکدهایی
که خواننده با اسکن هریک از آنها پی به محتویات شان
می برد. بارکدهایی که نویسنده علت چرایی وجودشان را
زیرنویس کرده است. کتاب حاضر که براساس ترتیب زمانی
در دوازده فصل و با یک سخن پایانی به قلم «محمد رسول
ملاحسنی» به رشته تحریر درآمده، توسط نشر شهید
کاظمی روانه بازار چاپ شده است.

کتاب «هواتو دارم» به قلم محمد رسول ملاحسنی از
جدیدترین کارهای نشر شهید کاظمی است که در ۳۰۴
صفحه بهار ۱۴۰۱ به چاپ رسیده است. 📖

